






An Analysis of the Meanings of the Terms **Khawf** (fear), **Khashyah** (awe), and **Wajal** (apprehension) Based on the Exegetical Narrations of Ahl al-Bayt (AS)

Zeinab Fami Tafreshi ¹ 
Narges Bozorgkho ² 
Hossein Jalaei Nobari ³ 

Abstract

The concept of "fear" in the Holy Qur'an is represented with words such as "fear", "violence" and "vigor", each with meaningful burden in different contexts. At first glance, these vocabulary seem synonymous, but their semantic analysis reveals fundamental differences in etymology, applied context, and epistemic implications. The purpose of this article is to explain the semantic differences of these words in the light of the narrative interpretations of Ahl al -Bayt and to examine the role of these narratives in accurate interpretation of concepts related to fear in the Qur'an. The narrative analysis presented in this paper shows that Ahl al -Bayt have been highly accurate in expressing the differences of these words seem. Imam Sadiq speaks of a concept that fear is not due to doubt, but derives from a deficiency in wilayah and the Prophet. Also, in the verse of the verse (Fater/1) has been introduced as the product of the real cognition of God and only for those whose deeds... .The results of the study show that the semantic analysis of the vocabulary of fear in the Qur'an will be incomplete regardless of the narrative interpretations of the Ahl al -Bayt. These narratives not only illuminate the apparent and literal dimensions of the vocabulary, but also explain their decline, and their practical status in the context of divine theology. Therefore, the simultaneous use of linguistic analysis and narrative data provides a comprehensive way to accurately and deeply interpret the ethical -epistemic concepts in the Holy Qur'an.

Keywords: Qur'anic Semantics, Qur'anic Narrative Interpretation, Fear, Scrutiny, Inner Trembling.

Citation: Fami Tafreshi, Z., Bozorgkhoo, N., jalaei Nobari, H. (2026). "An Analysis of the Meanings of the Terms Khawf (fear), Khashyah (awe), and Wajal (apprehension) Based on the Exegetical Narrations of Ahl al-Bayt" (AS). *Hadith-based Qur'anic Research*, 1 (4), 104-121. (In Persian)

* Received: 2025/05/30, Revised: 2025/08/30, Accepted: 2025/10/15.

1. PhD Student in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Corresponding author Email: Happyz.1986@gmail.com.

2. PhD student in Qur'anic and Hadith Studies, University of Qur'an and Hadith. Qom, Iran. Email: Nabozorgkhoo@gmail.com.

3. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran. Email: Nobarih@tbzmed.ac.ir.



تحلیل معنای واژگان «خوف»، «خشیت» و «وجل» بر اساس روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام

- ^۱ زینب فمی تفرشی
- ^۲ نرگس بزرگخو
- ^۳ حسین جلالی نوبری

چکیده

مفهوم «ترس» در قرآن کریم، با واژگانی چون «خوف»، «خشیت» و «وجل» بازنمایی شده که هر یک دارای بار معنایی و کاربرد خاص خود در سیاق‌های مختلف است. در نگاه نخست، این واژگان مترادف به نظر می‌رسند، اما تحلیل معنای واژگان آن‌ها، تفاوت‌های بنیادینی را از نظر ریشه‌شناسی، بافت کاربردی و دلالت معرفتی آشکار می‌سازد. هدف این مقاله، تبیین تفاوت معنایی این واژگان در پرتو تفاسیر روایی اهل بیت علیهم السلام و بررسی نقش این روایات در تفسیر دقیق مفاهیم مرتبط با ترس در قرآن است. تحلیل‌های روایی ارائه‌شده در این مقاله نشان می‌دهد که اهل بیت علیهم السلام با دقت بالایی در بیان تفاوت‌های این واژگان نقش‌آفرین بوده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل معنای واژگان ترس در قرآن بدون در نظر گرفتن تفاسیر روایی اهل بیت علیهم السلام، ناقص خواهد بود. این روایات نه تنها ابعاد ظاهری و لغوی واژگان را روشن می‌سازند، بلکه سیاق، شأن نزول و جایگاه کاربردی آن‌ها را نیز در بافت کلام الهی تبیین می‌کنند. از این رو، استفاده همزمان از تحلیل زبانی و داده‌های روایی، روشی جامع برای تفسیر دقیق و عمیق مفاهیم اخلاقی - معرفتی در قرآن کریم ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: واژه‌شناسی قرآن، تفسیر روایی قرآن، خوف، خشیت، وجل.

استناد: فمی تفرشی، زینب؛ بزرگخو، نرگس؛ جلالی نوبری، حسین (۱۴۰۵). «تحلیل معنای واژگان «خوف»، «خشیت» و «وجل» بر اساس روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام». قرآن‌پژوهی روایی، ۲ (۱)، ۱۰۴-۱۲۱.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه نویسنده مسئول:

.Happyz.1986@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. رایانامه: Nabozorgkhoo@gmail.com

۳. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: Nobarir@tbzmed.ac.ir

۱- بیان مسئله

قرآن کریم، به‌عنوان کتاب مقدس مسلمانان، دقت و ظرافت بسیاری در به‌کارگیری واژگان دارد. هر کلمه و عبارت قرآن در یک سیاق خاص معنایی قرار دارد که بسته به واژه و بستر آیه، می‌تواند معانی مختلفی را به ذهن خواننده منتقل کند. در این میان، واژگانی همچون: «خوف»، «خَشیت» و «وَجَل»، که هر یک به‌نوعی مرتبط با ترس و نگرانی انسان از خداوند هستند، در قرآن کریم کاربردهای فراوانی دارند.

اگرچه در ظاهر، این واژگان شباهت‌هایی دارند، ولی با توجه به سیاق آیات و با استناد به روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام، می‌توان به تفاوت‌های معنایی دقیق‌تری دست یافت که درک صحیح‌تری از این مفاهیم در قرآن فراهم می‌کند. از این‌رو، تحلیل این واژگان به‌ویژه از منظر روایات تفسیری، می‌تواند به برداشت عمیق‌تری از مفاهیم قرآنی کمک کند و در تبیین معنای صحیح آیات قرآن نقش مهمی ایفا نماید.

یکی از چالش‌های اساسی در فهم دقیق آیات قرآن، درک درست تفاوت‌های معنایی است که ممکن است در برخی از ترجمه‌ها یا تفاسیر نادیده گرفته شوند. بدین ترتیب، بررسی دقیق این تفاوت‌ها، به‌ویژه با استناد به روایات اهل بیت علیهم‌السلام، می‌تواند در تبیین بهتر مفاهیم و پیام‌های قرآن برای مخاطب امروزی مفید واقع شود. این پژوهش بر آن است که به بررسی و تحلیل معنایی واژگان «خوف»، «خَشیت» و «وَجَل»، در قرآن پرداخته و تفاوت معنایی آن‌ها را با استفاده از روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام استخراج و تحلیل کند. این بررسی، از آن جهت که می‌تواند به فهم دقیق‌تر و صحیح‌تر مفاهیم قرآنی و نیز تبیین بهتر حالات درونی انسان در رابطه با خداوند کمک کند حائز اهمیت است. در مطالعات قرآنی، شناخت معنای واژگان نقش بسزایی در فهم دقیق‌تر متون ایفا می‌کند، چراکه واژگان قرآن غالباً در بسترهای مختلف، دارای ظرایف معنایی متنوع و پیچیده‌ای هستند.

برای تحلیل تفاوت شناخت معنای واژگان قرآنی، این پژوهش از چارچوبی بهره می‌گیرد که در آن معنا نه صرفاً به‌عنوان بازتابی ایستا از مفهوم، بلکه به‌مثابه پدیده‌ای پویا در بستر کاربرد، بافت و تحول تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این چارچوب شامل سه سطح اصلی است:

۱. معنای واژگانی (Lexical Meaning): بررسی ریشه‌شناسی واژه، ساختار صرفی و معنای آن در زبان عربی کلاسیک پیش از اسلام. این سطح امکان درک خاستگاه معنایی واژگان را می‌دهد.

۲. معنای سیاقی (Contextual/Discourse Meaning): تحلیل نحوه کاربرد واژه در آیات مختلف قرآن با در نظر گرفتن بافت نحوی، سباق و سیاق و نیز ارتباط آن با موضوعات هم‌جوار. این سطح برای فهم تفاوت‌های معنایی یک واژه در آیات گوناگون مهم است.

۳. معنای تفسیری (Interpretive Meaning) با توجه به شأن نزول: بازتاب دریافت معنای واژه در تفسیرهای گوناگون، مانند تفاسیر کلاسیک، عرفانی و معاصر، که نشان می‌دهد چگونه برداشت معنایی از یک واژه در طول زمان دچار تغییر یا توسعه شده است.



در این چارچوب، واژه به‌عنوان عنصری زنده در گفتمان وحی بررسی می‌شود و تفاوت شناخت معنای آن نه تنها در سطوح زبان‌شناختی بلکه در سطوح معرفتی و تفسیری نیز مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این رهیافت به پژوهشگر امکان می‌دهد تا فراتر از معنای ظاهری، به لایه‌های پنهان معنای واژگان قرآنی دست یابد و تنوع معنایی آن‌ها را در بستر وحی آشکار سازد.

پژوهش حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز، از پژوهش‌های پیشین در زمینه متغیرهای نظری و روابط میان آن‌ها با مراجعه به منابع موجود استفاده نموده است.

چنانچه گذشت، تحقیق درباره تفاوت‌های معنایی واژگان «خوف»، «خشیت» و «وجل»، از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند به تفکیک معنای دقیق‌تر درک این واژگان کمک کند و به فهم صحیح‌تر مفاهیم قرآن و پیام‌های تربیتی و اخلاقی آن منجر شود. استفاده از روایات اهل بیت علیهم‌السلام در این تحلیل‌ها، موجب غنای معنوی و دقت بیشتر در تفسیر آیات می‌شود. این تحقیق نه تنها برای فهم بهتر قرآن در زبان عربی مهم است، بلکه می‌تواند به ترجمه‌های دقیق‌تر قرآن و پژوهش‌های دینی در جهان نیز کمک شایانی نماید. هدف از این پژوهش تبیین اهمیت مراجعه به روایات معصومان علیهم‌السلام در رسیدن به معنای دقیق مفردات قرآنی به‌ظاهر مترادف است.

پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. روایات تفسیری چگونه لایه‌های معنایی متفاوت واژگان خوف، خشیت و وجل را با توجه به سیاق آیات قرآنی و تأویل آن‌ها بیان می‌کنند؟
۲. روایات تفسیری چگونه لایه‌های معنایی متفاوت واژگان خوف، خشیت و وجل را با توجه به تفاوت لغوی برجسته می‌کنند؟
۳. روایات تفسیری چگونه لایه‌های معنایی متفاوت واژگان خوف، خشیت و وجل را با توجه به شأن نزول ذکر می‌کنند؟

۲- پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر درباره شناخت معنای واژگان با رویکرد تفسیر روایی پژوهش‌هایی انجام شده است که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

علی راد در مقاله‌ای با عنوان: «معناشناسی روایی مفردات نزد قرآن‌پژوهان امامیه؛ رهیافت‌ها و نمونه‌ها» منتشر شده در مجله مشکوة، به ارزیابی رهیافت قرآن‌پژوهان امامیه پرداخته است. درنهایت، به این نتیجه رسیده است که فقها، مفسران و لغویان به‌طور غالب رهیافتی همسو و همدل با روایات لغوی داشته‌اند و در بیشتر موارد اگر به روایات لغوی دست یافته‌اند، آن را ذکر کرده و در صورت تعارض با اقوال لغویان یا به حل تعارض پرداختند و یا دیدگاه روایی را ترجیح داده‌اند. در واقع این پژوهش به بررسی موردی تفاسیر روایی در راستای معناشناسی مفردات پرداخته است و به جمع‌بندی رویکرد آنان رسیده است. درحالی‌که پژوهش

حاضر با بررسی انواع روایات فریقین در خصوص سه واژه مذکور با رویکردهای مختلف به یافتن مفهوم واژگان پرداخته است.

مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی روایی، چپستی و مبانی اعتبار» نوشته‌ی علی راد و حامد دهقانی فیروزآبادی، چاپ شده در پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، با بررسی کمبودها و کاستی‌های عملکرد لغویان در معنای واژگان قرآن به ضرورت استفاده از روایات اهل بیت علیهم السلام در فهم قرآن پرداخته است. همچنین به دلیل اوج فصاحت، بلاغت و سخنوری اهل بیت علیهم السلام، هم‌ترازی زبان ایشان با سبک قرآنی و نیز ساختارمندی دستگاه نقل حدیث شیعه و دلایل متعدد دیگر به این نتیجه رسیده است که نه تنها استشهاد لغوی به روایات اهل بیت علیهم السلام شایسته است؛ بلکه کارآمدی بیشتری نسبت به دیگر مصادر لغوی دارد. درحالی‌که مقاله پیش‌رو، به بررسی کاربردی روایات اهل بیت علیهم السلام به صورت موردی می‌پردازد.

مقاله‌ای با عنوان «نقش احادیث معصومین علیهم السلام در معناشناسی واژه‌های قرآن کریم» نوشته‌ی سیدحسین موسوی و حجت‌علی نژاد، چاپ شده در فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، به بررسی نقش احادیث معصومان علیهم السلام در معناشناسی واژگان قرآنی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که به دلایلی همچون عبور از معنای ظاهری لفظ، تعیین معنای مراد و مقصود از واژه در قرآن، انتخاب یکی از دو معنای واژه، ایجاد معنای جدید برای واژه و تعیین مصداق برای هر واژه، استفاده از روایات برای یافتن واژگان قرآنی ضروری است. پژوهش موجود با درک ضرورت استفاده از روایات معصومان علیهم السلام به واکاوی موردی این روایات در بررسی تفاوت معنای واژگانی خاص پرداخته است.

به‌طور خاص درباره تفاوت واژگان «خوف» و «خشیت» و «وجل» نیز مقالاتی نگاشته شده است که عبارت‌اند از:

مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی در معنای واژه قرآنی خشیت و تفاوت آن با خوف» نوشته‌ی سیدمحمود طیب‌حسینی، چاپ شده در دوفصلنامه کتاب‌قیم، که به بررسی تفاوت معنایی دو واژه پرداخته و در نهایت به این نتیجه رسیده است که این دو واژه مترادف نیستند، از نظر لغوی با یکدیگر تفاوت دارند و نیز خشیت از غیرخدا هیچ‌گاه به پیامبران نسبت داده نشده، اما خوف از غیرخدا نسبت داده شده است. مقاله حاضر، تفاوت واژگان سه‌گانه مذکور را در تفاسیر روایی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۳- جایگاه و نقش تفاسیر روایی در تبیین مفاهیم قرآنی

یکی از اساسی‌ترین چالش‌ها در فهم و تبیین مفاهیم قرآنی، دستیابی به معنای دقیق واژگان و عبارات مورد استفاده در این کتاب الهی است. بسیاری از سوءبرداشت‌ها و تفسیرهای نادرست از قرآن، ریشه در عدم شناخت دقیق لایه‌های معنایی واژگان دارد. بنابراین، پژوهش‌هایی از این دست که به تحلیل تفاوت‌های معنایی می‌پردازند، نقش مهمی در تولید دانش قرآنی اصیل و مبتنی بر روایات معتبر ایفا می‌کنند (راد و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۰). در این میان، تفاسیر روایی به‌واسطه نزدیکی به عصر نزول و

بهره‌مندی از تبیین‌های ائمه علیهم‌السلام، نقشی کلیدی و بی‌بدیل در روشنگری این مفاهیم ایفا می‌کنند. به‌طور کلی، دو رویکرد عمده در معناشناسی روایی قابل شناسایی است که هر دو به فهم عمیق‌تر واژگان قرآنی کمک شایانی می‌کنند:

الف) تبیین معنای واژگان از طریق روایات لغوی

روایات لغوی به مجموعه‌ای از احادیث اطلاق می‌شود که اهل‌بیت علیهم‌السلام در آن‌ها به شرح و تبیین معنای یک یا چند واژه پرداخته‌اند. این رویکرد، بر پایهٔ باور یاران ائمه علیهم‌السلام به مرجعیت اهل‌بیت علیهم‌السلام در فهم قرآن و زبان عربی استوار است. از همان عصر حضور معصومان علیهم‌السلام، این رویکرد مورد توجه بوده و به‌دلیل اهمیت آن، مجموعه‌ای سترگ از این دست روایات فراهم آمده است (همان). بهره‌مندی از این روایات، به‌عنوان یک رویکرد رایج در شناخت معنای واژگان، این امکان را فراهم می‌آورد که فهمی اصیل و ریشه‌دار از معنای واژگان قرآنی حاصل شود، زیرا این تبیین‌ها به‌صورت مستقیم از سوی کسانی صادر شده که به حقیقت و بطون قرآن آگاه بودند.

ب) برداشت معنا از کاربرد واژگان در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام

رویکرد دیگر در زمینهٔ شناخت معنای واژگان از طریق روایات، استخراج معنا از طریق بررسی استعمال‌ها و کاربردهای یک واژه در سخنان اهل‌بیت علیهم‌السلام است. این شیوه، مشابه با رویکردی است که در آن معنای واژگان از طریق بررسی کاربرد آن‌ها در قرآن کریم، شعر جاهلی و یا احادیث نبوی استنباط می‌شود. با این تفاوت که در این رویکرد، کلام اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌عنوان یک منبع غنی و معتبر برای کشف ابعاد معنایی واژگان مورد استفاده قرار می‌گیرد (همان).

در مجموع، تفاسیر روایی با بهره‌گیری از دو رویکرد معناشناسی لغوی و کاربردی، جایگاهی محوری در تبیین مفاهیم قرآنی دارند. روایات لغوی، با ارائهٔ مستقیم شرح و تبیین واژگان از سوی معصومان علیهم‌السلام، به فهمی بنیادین و اصیل از معنا دست می‌یابند. به‌علاوه، بررسی کاربردهای واژگان در سخنان اهل‌بیت علیهم‌السلام، با روشن ساختن ابعاد و ظرافت‌های معنایی، به فهمی جامع‌تر و عمیق‌تر از مفاهیم قرآنی منجر می‌شود. اتکا به این دو رویکرد در تفسیر قرآن کریم، نه‌تنها به روشن شدن ابهامات لغوی کمک می‌کند، بلکه راهگشای بسیاری از پیچیدگی‌های معنایی و تفسیری بوده و فهمی اصیل و ریشه‌دار از کلام وحی را برای پژوهشگران و عموم علاقه‌مندان فراهم می‌آورد.

واژگان «خوف»، «خشیت» و «وجل» از جمله مصادیق این امر هستند که هرچند همگی به مفهوم «ترس» نزدیک‌اند، اما هریک معنایی اختصاصی دارند که شناخت تفاوت آن‌ها نیازمند تحلیل دقیق زبانی و سیاقی است. از این رو، با بررسی کاربرد واژگان «خوف»، «خشیت» و «وجل» در آیات قرآن کریم، بسترهای معنایی این سه واژه در ساختار زبانی و سیاقی آیات مشخص می‌گردد. این بررسی، زمینه‌ساز درک دقیق‌تر نقش روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام در برجسته‌سازی تفاوت‌های مفهومی میان این واژگان خواهد بود.

۴- تحلیل واژگان «خوف»، «خشیت» و «وجل» در قرآن کریم

با بررسی کاربرد واژگان «خوف»، «خشیت» و «وجل» در آیات قرآن کریم، بسترهای معنایی این سه واژه در ساختار زبانی و سیاقی آیات مشخص می‌گردد. با تحلیل موارد کاربرد این واژگان در قرآن، تفاوت‌های زمینه‌ای و بافتی آن‌ها پیش از ورود به تفسیرهای روایی تبیین می‌شود. این بررسی، زمینه‌ساز درک دقیق‌تر نقش روایات اهل بیت علیهم‌السلام در برجسته‌سازی تفاوت‌های مفهومی میان این واژگان خواهد بود.

۴-۱- آرای لغویان درباره تمایز واژگان «خوف»، «خشیت» و «وجل»

در منابع لغوی و تفسیری، تفاوت‌های معنایی میان واژگان «خوف»، «خشیت» و «وجل» به صورت دقیق بیان شده است. واژه «خوف» به معنای ترسی است که در اثر انتظار و احتمال وقوع یک امر ناخوشایند در آینده به وجود می‌آید. این واژه بیشتر ناظر به آثار ظاهری و طبیعی ترس بوده و جنبه عمومی‌تری دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰۳).

واژه «خشیت» به معنای مراقبت و نگهداری نفس به همراه خوف و ترس است (مصطفوی، ۱۳۶۰؛ ج ۳، ص ۶۴). به عبارت دیگر، «خشیت» ترسی است که با تعظیم و بزرگداشت چیزی همراه بوده و بیشتر از طریق علم و آگاهی نسبت به آنچه از آن خشیت و بیم وجود دارد، حاصل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۸۳). در مقابل «خشیت»، اهمال‌کاری، غفلت و بی‌مبالاتی قرار دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰؛ ج ۳، ص ۶۴).

واژه «وجل» به معنای شعور و درک ترس و خوف است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۵۵). به بیان دیگر، «وجل» حالتی در انسان است که برخلاف طمأنینه و آرامش نفس، قلب انسان به غلیان افتاده و آرامش خود را از دست می‌دهد. اگرچه «وجل» به معنای «خوف» نیست، اما از نظر مفهوم با یکدیگر شباهت دارند؛ زیرا هر دو باعث اضطراب می‌شوند و استفاده از «وجل» در مورد ترس، کاربردی استعاره‌ای است (مصطفوی، ۱۳۶۰؛ ج ۳، ص ۴۴).

با توجه به تعاریف ارائه شده، می‌توان نتیجه گرفت که این سه واژه، هرچند در مفهوم کلی «ترس» مشترک‌اند، اما دارای ظرافت‌های معنایی متفاوتی هستند:

خوف: بیشتر به جنبه واکنش اولیه و اضطراب ناشی از انتظار یک ضرر احتمالی اشاره دارد. در اینجا، ترس یک حالت غریزی و ناگهانی است که در مواجهه با یک تهدید (هرچند مشکوک) بروز می‌کند.

خشیت: عمیق‌تر از «خوف» است و علاوه بر ترس، شامل تعظیم و بزرگداشت و آگاهی نسبت به منشأ ترس می‌شود. این نوع ترس بیشتر با احترام و شناخت همراه است و جنبه معرفتی و مراقبتی بیشتری دارد. خشیت بیشتر در مواجهه با موجودیت‌های برتر و قدرتمند که انسان نسبت به آن‌ها شناخت دارد، بروز می‌کند.

وجل: به جنبه فیزیکی و حسی ترس اشاره دارد. «وجل» نه خود ترس، بلکه درک و احساس ترس و تأثیر



آن بر بدن (مانند غلیان قلب و از دست دادن آرامش) است. این واژه بیشتر بیانگر حالت درونی و فیزیولوژیکی فرد در مواجهه با ترس، صرف نظر از منشأ و ماهیت ترس است. بنابر آنچه گذشت، «خوف» جنبه غریزی و اولیه ترس، «خشیت» جنبه آگاهانه و توأم با تعظیم، و «وجل» جنبه حسی و فیزیکی تأثیر ترس را در بر می گیرد.

۴-۲- کاربرد واژگان سه گانه در آیات

قرآن کریم در موارد متعددی از واژگان «خوف»، «خشیت» و «وجل» استفاده کرده است و هر یک در سیاق خاصی کاربرد دارند. برای نمونه در آیه ۲ سوره انفال می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾، که واژه «وجل» برای توصیف حالت روحی مؤمنان هنگام یاد خداوند به کار رفته است (طباطبایی، ۱۳۷۸ق، ج ۹، ص ۳).

در آیه ۲۸ سوره فاطر چنین ذکر شده: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ که «خشیت» در مورد علما به کار رفته و نشان دهنده ترسی معرفت آمیز است (طباطبایی، ۱۳۷۸ق، ج ۱۷، ص ۵۶).

در آیه ۳۸ سوره بقره نیز آمده است: ﴿فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ که «خوف» در معنای نداشتن نگرانی نسبت به آینده ذکر شده است (طباطبایی، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۹۳).

همچنین در آیه ۱۷۵ سوره آل عمران آمده: ﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ این آیه، ترس شیطانی را از خوف الهی متمایز می کند.

در آیه ۷۷ سوره طه نیز، خداوند به موسی می فرماید: ﴿لَا تَخَافْ دَرَكًا وَ لَا تَخْشَى﴾ که هر دو واژه خوف و خشیت در یک سیاق به کار رفته و تفاوت معنایی آن ها از زمینه روشن می شود (طباطبایی، ۱۳۷۸ق، ج ۱۴، ص ۱۰۱ و ۲۲۸).

این تفاوت در سیاق به روشنی نشان می دهد که هر یک از این واژگان، جایگاه معنایی اختصاصی و ویژه ای دارند.

۴-۳- تفاوت های ظاهری و سیاقی

در تفسیر واژگان «خوف»، «خشیت» و «وجل» در قرآن کریم، توجه به تفاوت های ظاهری و سیاقی آن ها از اهمیت بسیاری برخوردار است. از لحاظ ظاهری، واژه «وجل» غالباً در ارتباط با دل و حالت درونی انسان به کار رفته است. این واژه، اضطراب درونی و لرزش قلب را توصیف می کند که در مواجهه با عظمت الهی یا ذکر خداوند در دل مؤمنان پدید می آید. چنان که در آیه ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾ (انفال: ۲)، عبارت «وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ» ناظر به همین لرزش عاطفی در دل های مؤمنان هنگام ذکر خداست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۳۳).

واژه «خشیت»، به طور خاص در آیاتی به کار رفته که ناظر به معرفت و شناخت است. خشیت از خداوند در قرآن کریم تنها به علما نسبت داده شده است: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸). این تعبیر بیانگر آن است که خشیت برخاسته از درک و آگاهی نسبت به جلال و عظمت خداوند و نه ترسی احساسی است. راغب نیز خشیت را «خوف مقرون به تعظیم» می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۸۷).

در مقابل، «خوف» کاربرد وسیع‌تری در قرآن دارد و اغلب در زمینه‌هایی چون ترس از دشمن، ترس از عذاب، یا ترسی به کار می‌رود که فقط وسوسه‌های شیطانی ایجادکننده آن است. در آیه ۱۷۵ سوره آل عمران آمده است: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». این آیه تفاوت میان ترس شیطانی و خوف الهی را برجسته ساخته و نشان می‌دهد که خوف مطلوب از دیدگاه قرآن، همان خوف از خداوند است، نه از مخلوقات (طباطبایی، ۱۳۷۸ق، ج ۴، ص ۱۰۱). این آیه بعد از غزوه «حمراء الأسد» نازل شد و اشاره به افرادی دارد که سعی در ایجاد خوف در دل مسلمانان از قریش داشتند. خداوند در این آیه بیان می‌کند مؤمنینی که قوت ایمان در دل آن‌هاست چنین وسوسه‌هایی در دل ایشان خوف ایجاد نمی‌کند (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۵۵).

همچنین در آیه ۷۷ سوره نساء آمده است: «فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشِيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً» که در آن «خشیت» از مردم، مذموم شمرده شده و در مقابل خشیت از خداوند قرار گرفته است. مفسران از این تعبیر نتیجه گرفته‌اند که خشیت اگر از غیر خدا باشد، نه تنها ارزش ندارد، بلکه خلاف ایمان است و تنها خشیتی که نشانه ایمان است، خشیت الهی است (طباطبایی، ۱۳۷۸ق، ج ۴، ص ۴۰۵). در مجموع، این سه واژه با وجود ریشه مشترک، در قرآن معانی و کارکردهای متفاوتی دارند: «وجل» حالتی عاطفی، لرزش دل در برابر یاد خدا، «خشیت» ترسی معرفتی، ناشی از شناخت جلال الهی و در نهایت «خوف» ترسی احساسی و غریزی که در سیاق‌های دنیوی یا اخروی ظاهر می‌شود. قرآن کریم با دقت زبانی ویژه‌ای این واژگان را به کار گرفته تا مراتب گوناگون تقوا، شناخت و ایمان را به تصویر کشد.

۵- نقش روایات تفسیری در تبیین تفاوت‌های معنایی

برای فهم بهتر و دقیق‌تر واژگان قرآنی، نمی‌توان صرفاً به معنای لغوی آن‌ها در فرهنگ لغت اکتفا کرد. بافت کلی آیه، مخاطب آن و حتی شرایط نزول آیه (شأن نزول) نقش بسیار مهمی در روشن شدن ابعاد پنهان معنایی کلمات دارند. واژگانی مثل «خوف»، «خشیت» و «وجل» نیز از این قاعده کلی مستثنی نیستند. این کلمات هرچند در نگاه نخست همگی به نوعی از مفهوم ترس یا هیبت اشاره دارند، اما تفاوت‌های ظریفی میان آن‌ها وجود دارد که تنها با دقت در نحوه کاربردشان در آیات و با مراجعه به تبیین‌های روشنگرانه معصومان علیهم السلام آشکار می‌شود.

روایات تفسیری که از اهل بیت پیامبر ﷺ رسیده است، گنجینه‌ای ارزشمند برای درک عمیق‌تر این تفاوت‌هاست. این روایات نه تنها معنای واژگان را در سیاق آیات روشن می‌کنند، بلکه با اشاره به موقعیت‌های نزول یا بیان مصادیق، نشان می‌دهند که هر کلمه بار معنایی خاصی را حمل می‌کند که دیگری فاقد آن است.

۱-۵- نقش روایات تفسیری در تبیین تفاوت‌های معنایی با تأکید بر سیاق آیات

در مطالعه واژگان قرآن، توجه به سیاق یا همان بافت متنی و موقعیت کاربرد کلمه اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. بسیاری از مفاهیم قرآنی تنها در جمله، فضای کلی آیه و ارتباط آن با آیات قبل و بعد قابل درک کامل هستند. «خوف»، «خشیت» و «وجل» نیز در سیاق‌های مختلف، معانی متفاوتی به خود می‌گیرند و روایات اهل بیت ﷺ این تفاوت‌ها را به خوبی نمایان می‌سازند.

این واژگان در ساختار کلی معنایی قرآن، ارتباط نزدیکی با مفاهیم عمیق اخلاقی، تربیتی و عرفانی دارند. برای مثال، واژه «وجل» در آیاتی از سوره انفال، مؤمنون و حج به‌کاررفته و صرفاً به معنای ترس نیست، بلکه حالتی درونی و عمیق‌تر است که با ادراک عظمت الهی همراه می‌شود. این همان لرزش قلبی است که مؤمنان هنگام یاد خدا تجربه می‌کنند؛ لرزشی که نه از ضعف، بلکه از حضور و عظمت خداوند در دل نشأت می‌گیرد. این حالت، بازتابی از پیوند روحانی و عمیق انسان با خالق خود است.

در مقابل، واژه «خشیت» بیشتر در سیاق علم و معرفت به‌کار می‌رود و نشان‌دهنده نوعی ترس است که ریشه در شناخت عقلانی و درک عظمت خداوند دارد. گویا این ترس، نتیجه طبیعی بالا رفتن سطح معرفت انسان است. «خوف» نیز معمولاً جنبه‌ای عمومی‌تر یا عملی‌تر دارد و در مواجهه با تهدیدات خارجی یا مسئولیت‌های پیش‌رو نمایان می‌شود. به‌عنوان مثال در آیه ۲ سوره انفال: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تَلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾؛ ویژگی‌های مؤمنان واقعی را برمی‌شمارد و نخستین ویژگی را «وجل» قلب هنگام یاد خدا معرفی می‌کند. واژه «وجل» در مورد مؤمنانی به‌کاررفته که با شنیدن نام خدا، دل‌هایشان می‌لرزد؛ این لرزش قلبی نه از ترس نابجا، بلکه از درک عظمت و جلال الهی نشأت می‌گیرد. مفسران شیعه، خصوصاً مؤلفان تفاسیر روایی، این حالت را شاخصه‌ای از ایمان صادقانه می‌دانند.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، این آیه را در مقام بیان اوصاف مؤمنان حقیقی دانسته و «وجل» را نخستین نشانه ایمان واقعی برمی‌شمارد. ایشان توضیح می‌دهند که این لرزش دل در برابر یاد خدا، نشانه باور قلبی به عظمت پروردگار و آگاهی از حضور اوست که روح انسان را برای اطاعت و تقوا آماده می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۸ق، ج ۹، ص ۱۰). همچنین فیض کاشانی در تفسیر الصافی، این «وجل» را نوعی هیبت و خشوع درونی می‌داند که در اثر تلاوت آیات الهی، به آرامش قلبی و افزایش ایمان می‌انجامد (فیض کاشانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۶۸).

در برخی تفاسیر روایی مانند: نور الثقلین و تفسیر قمی، این آیه بر مصادیق عینی و کاملی از مؤمنان منطبق شده است؛ افرادی همچون امام علی علیه السلام، ابوذر، سلمان و مقداد. این تطبیق روایی، نشان می‌دهد که معنای «وجل» در این آیه صرفاً یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه در رفتار و حال یاران نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله عینیت یافته است (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۵۵).

این نگاه روایی، «وجل» را نه ترسی ضعف‌آور، بلکه نشانه‌ای از بالندگی روحی و عمق ایمان تلقی می‌کند. مؤمن واقعی حتی در انجام بهترین اعمال نیز بیم آن را دارد که مبدا مورد قبول حق واقع نشود و این خودسنجی، سازنده‌ترین نوع بیم ایمانی است.

بر اساس این تفاسیر و روایات، می‌توان گفت «وجل» در سیاق سوره انفال، حالتی فراتر از ترس ساده است. لرزشی قلبی است، آمیخته با ایمان، عشق و شناخت عمیق الهی که از عمق جان مؤمن برمی‌خیزد. این حس، نه ترسی از عذاب، بلکه بیمی مقدس در برابر عظمت و شکوه پروردگار و درک سنگینی مسئولیت بندگی است. از این رو، «وجل» نوعی واکنش درونی و عارفانه محسوب می‌شود که پیوندی عمیق از معرفت، خضوع و اضطراب مثبت میان انسان و خدا برقرار می‌سازد. این اضطراب سازنده، زمینه‌ساز بروز بهترین حالات عبادی و اخلاقی است؛ همانند: خشوع در نماز، توکل کامل در زندگی و اخلاص ناب در عمل.

این معنا برای «وجل» تنها محدود به سوره انفال نیست، بلکه در کاربردهای دیگر قرآن نیز تأیید می‌شود. آیاتی نظیر آیه ۶۰ سوره مؤمنون و آیه ۵۰ سوره حج، نشان می‌دهند که «وجل» با اعمال صالح، امید به رجعت، صبر و اقامه نماز در پیوند است. این پیوندها دلالت دارند که «وجل» نه ترسی از تهدید و عقاب، بلکه بیمی مقدس است که از دغدغه پذیرفته نشدن در درگاه الهی ناشی می‌شود. در روایات اهل بیت علیهم السلام، این مرتبه از بیم، نشانه‌ای از بالاترین درجات بندگی و معرفت عمیق مؤمن است.

بنابراین، تحلیل «وجل» در این آیه، صرفاً بررسی یک احساس نیست، بلکه دریچه‌ای به سوی درک منظومه‌ای از معارف ایمانی، تربیتی و عرفانی در قرآن و سنت است. اینجاست که نقش بنیادین روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام در آشکار ساختن این لایه‌ها و ابعاد پنهان معنایی واژگان قرآنی کاملاً مشهود می‌گردد و فهم عمیق‌تری از پیام الهی میسر می‌شود.

در آیه ۶۰ سوره مؤمنون: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ﴾ واژه «وجل» در ترکیبی متفاوت همراه با مفاهیمی چون «اعطاء» (بخشیدن)، «رجعت» (بازگشت به سوی خدا) و «ترس از عدم قبول عمل» به کار رفته است. برخلاف سوره انفال که «وجل» را در پیوند با یاد خدا مطرح می‌کرد، اینجا تأکید بر حالتی از بیم و نگرانی در حین انجام عمل صالح است. یعنی مؤمن درحالی که مشغول انجام کارهای نیک مانند: صدقه دادن یا نماز خواندن است، دلش می‌لرزد که مبدا این اعمال از او پذیرفته نشود یا ناقص باشد.

روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام ذیل این آیه، به روشنی همین مضمون را تبیین کرده‌اند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که مؤمنان اعمال نیک انجام می‌دهند، اما در عین حال بیم دارند که عمل‌شان مورد قبول واقع

نشود و این حالت، نشانه‌ای از ایمان راستین است (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۲۹). همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «از ترس اینکه اعمالشان پذیرفته نشود، دل‌هایشان لرزان است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۳۹۲).

در روایت امام علی علیه السلام نیز آمده است که «مؤمنان راستین حتی زمانی که عمل صالح انجام می‌دهند، ترسانند از اینکه در محبت و طاعت اهل بیت علیهم السلام کوتاهی کرده باشند و عمل‌شان ناقص بماند» (کلینی، ۱۳۶۳ق، ج ۲، ص ۴۵۶). همچنین امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده‌اند که «يُعْطُونَ مَا أَعْطُوا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ»، یعنی آنچه را می‌دهند با دل‌های لرزان و نگران است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۵، ص ۳۳۴). این بیان، عمق روان‌شناختی معنای «وجل» را در فضای ایمانی مؤمن روشن می‌سازد.

این دسته از روایات نشان می‌دهند که «وجل» در این آیه، بیانگر ترسی مثبت و سازنده است؛ ترسی که از معرفت و آن معرفت از یقین و اخلاص سرچشمه می‌گیرد. به عبارتی، «وجل» در اینجا تلاقی خوف و رجا در نقطه‌ای متعالی است که مؤمن هم به فضل الهی امیدوار است و هم از تقصیر خود در انجام بندگی بیم دارد. این حالت اوج ادب در عبودیت است و روایات اهل بیت علیهم السلام با بیان مصادیق و عمق روان‌شناختی آن، معنای «وجل» را در این سیاق کاملاً روشن می‌سازند.

۲-۵- نقش روایات تفسیری در تبیین تفاوت‌های معنایی با تأکید بر تفاوت‌های لغوی

همان‌طور که بیان شد، روایات اهل بیت علیهم السلام به‌جای ارائه تحلیل‌هایی قاموسی، با روشن ساختن کاربردهای دقیق و مصادیق واقعی واژگان در سیاق‌های قرآنی، به فهم ظرافت‌های معنایی آن‌ها که ریشه در پتانسیل‌های لغوی و کاربردی در زبان عربی فصیح دارند، کمک می‌کنند. اهل بیت علیهم السلام با بیان اینکه کدام واژه در چه موقعیتی و برای چه حالتی به‌کار رفته است، مرزهای معنایی آن‌ها را مشخص نموده‌اند. در ادامه نمونه‌هایی از روایات که با تکیه بر کاربرد، به تفاوت معنایی واژگان اشاره دارند، ذکر شده‌اند:

تَقْشَعْرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ (زمر: ۲۳)

در این آیه، واژه «خشیت» به حالتی عمیق و درونی اشاره دارد که شنیدن کلام الهی، حتی به واکنش‌های جسمی مانند سیخ شدن مو بر بدن منجر می‌شود و نشانه‌ای از تأثیرگذاری شدید عظمت قرآن بر جان شنونده است. روایات اهل بیت علیهم السلام ذیل این آیه، با تبیین پیامدها و مصادیق این حالت، به درک عمیق‌تر دلالت معنایی «خشیت» کمک می‌کنند و آن را از صرف ترس متمایز می‌سازند.

در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «إِذَا أَقْشَعَرَ جِلْدُ الْعَبْدِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ تَحَاتَّتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا تَتَحَاتُّ عَنْ السَّجَّحَةِ أَيْبَسَهُ وَرَفَّهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۳۴۶). این حدیث بعد از تطهیرکننده و عملی حالت خشیت را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که خشیت، حالتی است که تأثیر مستقیم بر پاکی و تهذیب نفس مؤمن دارد. این تأثیر عمیق و سازنده، خشیت را از ترس‌های فلج‌کننده یا بی‌اثر متمایز می‌کند.

همچنین، امام باقر علیه السلام در ردّ برخی افراط‌گرایی‌ها، کسی را مؤمن واقعی می‌داند که نرم‌دل، اشک‌بار و دارای «وجل» باشد، نه آن که در شنیدن آیات مدهوش و بی‌اختیار شود (خراسانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۷۵). این روایت، با بیان مرز میان خشیت مطلوب و حالات کاذب و با اشاره به «وجل» به‌عنوان حالتی که با نرم‌دلی و اشک همراه است، کمک می‌کند تا حوزه معنایی دقیق هر واژه بهتر شناخته شود. روایات با بیان کاربرد «خشیت» برای حالتی از ترس که با معرفت، هیبت و تأثیر عمیق همراه است آن را از ترس غریزی یا هیجان لحظه‌ای متمایز می‌کنند. این تبیین کاربردی با ریشه و کاربرد واژه خشیت در زبان عربی که ناظر به ترسِ توأم با تعظیم و ادراک عظمت است، همسو و تبیین‌کننده آن است.

﴿وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾
(فاطر: ۲۸)

این آیه به‌صراحت، «خشیت» را به گروه خاصی از بندگان یعنی «علما» نسبت می‌دهد و این نشانه‌ای آشکار از رابطه وثیق میان خشیت و معرفت عمیق نسبت به خداوند است. روایات اهل بیت علیهم السلام نیز این پیوند را تأیید کرده و کاربرد «خشیت» را برای حالتی از ترس که ثمره علم حقیقی و نافع است، برجسته می‌کنند.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «الْخَشْيَةُ مِيرَاثُ الْعِلْمِ وَالْعِلْمُ شِعَاعُ الْمَعْرِفَةِ وَقَلْبُ الْإِيمَانِ وَمَنْ حُرِمَ الْخَشْيَةَ لَا يَكُونُ عَالِمًا وَإِنْ شَقَّ الشَّعْرَ بِمُشَابِهَاتِ الْعِلْمِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى - إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ». از ابن عباس نقل شده که مقصود از «علما» در این آیه، وجود مقدس علی بن ابی طالب علیه السلام است که در راه خدا مجاهدت می‌کرد و پیرو کامل فرمان خدا بود.

این روایات نشان می‌دهند که علم واقعی نه‌تنها شناخت نظری، بلکه التزام عملی به فرامین الهی است و چنین علمی است که «خشیت» می‌آورد. خشیت بی‌عمل، نه مطلوب و نه واقعی است (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۷۸).

در همین زمینه، امام علی علیه السلام نیز طلب علم را برتر از عبادت دانسته‌اند و تأکید کرده‌اند که اطاعت علما بر مردم واجب است؛ زیرا آنان اهل خشیت و در راه خدا صادق‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۸۰). همچنین امام رضا علیه السلام در حدیثی می‌فرمایند که: «بهترین ذخیره عالمان برای روز نیاز، کمک به نیازمندان اهل بیت علیهم السلام و نجات آن‌ها از دشمنان است؛ پاداش این حمایت مقام والا در بهشت است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۱).

احادیث متعددی از امامان معصوم علیهم السلام بیان می‌کنند که ترس از خدا میراث دانش است و عالم واقعی کسی است که عملش گواه گفتارش باشد (کلینی، ۱۳۶۳ق، ج ۲، ص ۶۹). این روایات نشان می‌دهند که از منظر اهل بیت علیهم السلام، «خشیت» یک احساس ناشی از ترس از عذاب نیست، بلکه حالتی برخاسته از ادراک عمیق و معرفت حقیقی نسبت به خداوند و عظمت و جایگاه او است. روایات با تأکید بر اینکه علم باید همراه با عمل و دوری از تعلقات دنیوی باشد، مفهوم واقعی «خشیت العالم» را که در آیه آمده است، روشن

می‌سازند. پیوند دادن «خشیت» به مفهوم علم و عمل صالح در این روایات، بار معنایی خاص این واژه، که آن را از صرف ترس (خوف) یا لرزش قلبی (وجل) متمایز می‌کند، برجسته می‌سازد. این تبیین روایی، با ریشه و کاربرد واژه خشیت در زبان عربی مبنی بر ترسی که منشأ آن علم، شناخت، هیبت و تعظیم بوده، کاملاً همسو است. اهل بیت علیهم‌السلام با بیان مصداق (عالمان حقیقی) و شرط تحقق (علم توأم با عمل)، آن دلالت لغوی خاص را در سیاق قرآنی تبیین و مصداق‌یابی می‌نمایند.

به این ترتیب، روایات اهل بیت علیهم‌السلام با تبیین دقیق کاربردها، مصادیق و شرایط تحقق واژگانی مانند «خشیت»، به فهم دلالت‌های معنایی خاص آن‌ها کمک شایانی می‌کنند. این دلالت‌ها که ریشه در پتانسیل‌های لغوی واژگان دارند و در زبان عربی فصیح قابل شناسایی هستند، در پرتو تبیین معصومان علیهم‌السلام و ارتباط دادن واژگان به مفاهیم کلیدی مانند علم و معرفت عمیق (برای خشیت) روشن‌تر و برجسته‌تر می‌شوند. این شیوه تبیین از سوی اهل بیت علیهم‌السلام که بر نشان دادن کاربرد صحیح و دلالت‌های ضمنی واژه در سیاق‌های قرآنی تکیه دارد، راهگشای فهم دقیق‌تر ظرافت‌های معنایی واژگان قرآنی و تفاوت آن‌ها با یکدیگر است و نشان می‌دهد که چگونه روایات می‌توانند به تحلیل شناخت معنای واژگان با تأکید بر دلالت‌های برخاسته از کاربرد آن‌ها، یاری رسانند.

۳-۵- نقش روایات تفسیری در تبیین تفاوت‌های معنایی با تأکید بر شأن نزول

یکی دیگر از ابزارهای مهم برای درک دقیق مفاهیم قرآنی و تمایز میان معانی واژگان مشابه، توجه به شأن نزول یا همان شرایط و مناسبت‌هایی است که آیه در آن نازل شده است. واژگانی مانند خوف، خشیت و وجل ممکن است در ترجمه مشابه به نظر برسند، اما روایاتی که به مناسبت نزول آیات اشاره دارند، نشان می‌دهند که تفاوت‌هایی بنیادین در بافت کاربرد آن‌ها وجود دارد. اهل بیت علیهم‌السلام به‌عنوان آگاه‌ترین افراد به اسباب و شرایط نزول، با تبیین شأن نزول آیات و ارتباط آن با واژه‌ها، به درکی دقیق‌تر و عمیق‌تر از مفاهیم الهی اشاره دارند.

﴿قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَاِذَا يَأْتِيَكُمُ مِنَ الْوَادِيِّ فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره:

۳۸)

این آیه، ناظر به نخستین لحظات هبوط انسان به زمین است. در این شرایط، ترس از آینده، سرگردانی و ندامت امری طبیعی است؛ اما خداوند وعده می‌دهد که هرکس از هدایت او پیروی کند، نه ترسی و نه اندوهی بر او خواهد بود. امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌فرماید: «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ حِينَ يَخَافُ الْمُخَالِفُونَ وَ لَا يَحْزَنُونَ إِذَا يَحْزَنُونَ» (حسن بن علی علیه‌السلام، ۱۴۰۹ق، ص ۲۲۵). این روایت، با ربط دادن نفی «خوف» در این آیه به موقعیت خاص و حساس قیامت (زمانی که دیگران از حساب و عذاب می‌ترسند)، معنای «خوف» را از ترس دنیوی فراتر برده و به معنایی اخروی و معنوی ارتقا می‌دهد. شأن نزول آیه (شرایط آغازین هبوط)

و تبیین روایی آن (اشاره به قیامت)، نشان می‌دهد که «خوف» در اینجا به ترسی که نتیجه عدم پیروی از هدایت الهی در طول مسیر زندگی است و در پایان راه گریبانگیر می‌شود، اشاره دارد.

﴿وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرْكًا وَلَا تَخْشَىٰ﴾ (طه:

(۷۷)

این آیه در ماجرای نجات معجزه‌آسای بنی اسرائیل از فرعون نازل شده است. در چنین موقعیت خطیری (فرار از دشمن و رسیدن به دریا) بیم و نگرانی کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد. اما وحی الهی به موسی علیه السلام اطمینان می‌دهد که نباید از اینکه فرعونیان به شما برسند (دَرْكًا) ترسی (تَخَافُ) و نه حتی نگرانی دیگری داشته باشی (تَخْشَى). امام کاظم علیه السلام در حدیثی، این آیه را به‌عنوان ذکری برای دفع ترس در موقعیت‌های اضطراری و خطرناک (مانند ترس از دزدان و حیوانات درنده در سفر) توصیه می‌کنند (ابن بسطام، ۱۴۱۶ق، ص ۳۶).

در تفسیر این آیه از ابن عباس نقل شده که: «منظور از دَرْك، آل فرعون و منظور از تَخْشَى، دریایی است که پیش‌روی آن‌هاست» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۷۵). در تفسیر جامع البیان نیز ذیل آیه این‌گونه آمده است که: «لَا تَخَافُ، خوف از چیزی است که پشت سر آن‌ها بود (فرعونیان) و مقصود از لَا تَخْشَى آن چیزی است که پیش‌روی آن‌هاست (نیل). به عبارتی خوف دلالت بر ترس از چیزی است که "پشت سر" و "گذشته" است و خشیت ترس از "آینده" است.» (طبری، ۱۴۲۲ق، ج ۱۶، ص ۶۶۲).

﴿فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً﴾ (نساء: ۷۷)

شان نزول این آیه مربوط به تغییر حکم از صلح به جهاد است. برخی از مسلمانان که پیش از این آرزوی جهاد داشتند با وجوب آن از مردم (دشمنان) بیشتر از خدا ترسیدند. روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام این شأن نزول را به‌خوبی تبیین می‌کنند. امام صادق علیه السلام در توضیح عبارت «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ» در همین سیاق، آن را به معنای «كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ» (زبان خود را نگه دارید) دانسته‌اند (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۱۷). این نشان می‌دهد که «خشیت» در اینجا نه فقط ترس از درگیری فیزیکی، بلکه شامل ترس از واکنش‌ها، تهمت‌ها و فشارهای روانی از سوی دشمنان و منافقان است. روایت امام علی علیه السلام نیز تأکید می‌کند که وقتی فرمان جهاد آمد، عده‌ای ترسیدند و آیه نازل شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۹، ص ۱۷۵).

در اینجا، شأن نزول به‌روشنی نشان می‌دهد که «خشیت» نسبت به مردم، از موضع ضعف ایمان و دنیاگرایی ناشی می‌شود و با خشیت الهی که بر پایه معرفت و یقین است تفاوت بنیادین دارد. خداوند این دو نوع «خشیت» را با هم مقایسه می‌کند تا نادرستی اولویت‌بندی ترس‌ها را نشان دهد. روایات اهل بیت علیهم السلام با بیان شأن نزول، این تفاوت معنایی و ارزشی میان دو نوع خشیت (ممدوح الهی و مذموم از مردم) را کاملاً برجسته می‌سازند.

بنابراین، شأن نزول آیات که در روایات اهل بیت علیهم السلام تبیین شده است، نقش اساسی در فهم صحیح معنا و کاربرد واژگان کلیدی قرآن دارد. واژگان «خوف» و «خشیت» در پرتو روایت و فضای نزول آیه، دارای

تفاوت‌های معنایی و مصداقی آشکاری می‌شوند. روایات اهل بیت علیهم‌السلام با روشن کردن بسترهای تاریخی و مخاطبان اولیه آیات، نشان می‌دهند که ترس از خدا، نشانه‌ای از ایمان و معرفت است، درحالی‌که ترس از غیرخدا، اغلب نشانه ضعف یا دنیاگرایی است. از سوی دیگر، برخی آیات که در شرایط اضطراری نازل شده‌اند و روایات، آن‌ها را به‌عنوان پناهگاه معرفی می‌کنند، ما را با کارکرد آرام‌بخش و حمایتی کلام الهی آشنا می‌سازند. این نوع فهم که از شأن نزول برمی‌آید، نه تنها به تمایز معنایی کمک می‌کند، بلکه بُعد تربیتی آیات را نیز روشن می‌سازد.

نتیجه‌گیری

اکنون با توجه به مطالب بیان شده می‌توان به پرسش‌های مطرح شده در ابتدای بحث پاسخ داد:

- ۱) بر اساس تحلیل‌های انجام شده، می‌توان نتیجه گرفت که روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام، تفاوت‌های معنایی میان واژگان «خوف»، «خشیت» و «وجل» را نه از طریق یک روش واحد و صرفاً لغوی، بلکه با بهره‌گیری ترکیبی و هوشمندانه از تحلیل دقیق سیاق آیات و گاه اشاره به تأویل آن‌ها، روشن ساختن کاربردها و دلالت‌های ضمنی واژگان در موقعیت‌های مختلف (که ریشه در ظرفیت‌های لغوی آن‌ها دارد) و تبیین شرایط و بستر نزول آیات (شأن نزول)، به صورت جامع و دقیق آشکار می‌سازند. این روایات، با ارائه یک تصویر منسجم از کاربردهای هر واژه در موقعیت‌های متفاوت و ارتباط دادن آن‌ها با مفاهیم ایمانی و اخلاقی، به خواننده امکان می‌دهند تا به درکی عمیق از مرزهای معنایی و بار معنوی هریک از این حالات روحی (وجل به‌عنوان بیم مقدس و سازنده، خشیت به‌عنوان ترس برخاسته از معرفت و هیبت و خوف به‌عنوان ترسی عام یا ناظر به پیامدها) دست یابد؛ درکی که برای فهم دقیق‌تر معارف تربیتی، اخلاقی و عرفانی قرآن و عمل به آن‌ها ضروری است. این روش تفسیری اهل بیت، ارزش بی‌بدیل تفاسیر روایی را در فراتر رفتن از معانی سطحی واژگان و دستیابی به لایه‌های عمیق‌تر و کاربردی مفاهیم قرآنی به‌روشنی نشان می‌دهد.
- ۲) روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام با تمرکز دقیق بر بافت متنی و سیاق آیات، به تبیین لایه‌های معنایی ویژه واژگان «خوف»، «خشیت» و «وجل» می‌پردازند. این روایات، کاربرد هر واژه را در ارتباط با مفاهیم قبل و بعد آیه و فضای کلی حاکم بر آن در نظر می‌گیرند. طبق آنچه از تفاوت سیاق آیات مرتبط با واژگان بیان شد «وجل» از ویژگی مؤمنان واقعی گفته شده است و «خشیت» در سیاق علم و معرفت به‌کار می‌رود.
- ۳) هرچند روایات اهل بیت علیهم‌السلام غالباً به تحلیل‌های ریشه‌شناختی یا صرفی و نحوی به‌معنای اصطلاحی علم لغت نمی‌پردازند، اما با تبیین دقیق کاربرد و مصداق واژگان در سیاق‌های مختلف و ارتباط دادن آن‌ها با مفاهیم دیگر، به فهم دلالت‌های معنایی ویژه آن‌ها که ریشه در پتانسیل لغوی واژگان دارد،

کمک شایانی می‌کنند. طبق این دسته از روایات خشیت حالتی است که تأثیر مستقیم بر پاکی نفس و تهذیب مومن دارد و این تأثیر عمیق و سازنده، خشیت را از ترس‌های فلج‌کننده یا بی‌اثر متمایز می‌کند.

۴) روایات اهل بیت علیهم‌السلام با تبیین شرایط و بستر نزول آیات (شان نزول)، در فهم نوع و متعلق ترس مطرح‌شده در آیه، نقشی محوری و روشن‌گر دارند. این روایات با قرار دادن آیه در زمینه تاریخی یا موقعیت خاص نزول آن، روشن می‌سازند که انتخاب هریک از این واژگان در آنجا با چه حکمتی صورت گرفته است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بسطام، عبدالله (۱۴۱۶ق). طب الأئمة، نجف: المكتبة الحيدرية.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر (۲۰۰۰). التحرير و التنوير، بيروت: فرهنگ نشر نو.
۳. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۵ق). البرهان ف تفسیر القرآن. قم: مؤسسة البعثة.
۴. حسن بن علی العسكري علیه السلام (۱۴۰۹ق). التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي علیه السلام.
۵. حلی، ابن فهد احمد بن محمد؛ موحدی قمی، احمد (۱۴۰۷ق). عدة الداعي و نجاح الساعي، قم: دار الكتاب الإسلامي.
۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین، قم: نشر اسماعیلیان.
۷. خراسانی، محمدجواد (۱۴۱۶ق). هداية الأمة إلى معرفة الأئمة، قم: مؤسسة البعثة.
۸. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق). أعلام الدين في صفات المؤمنين. قم: مؤسسة آل البيت.
۹. راد، علی؛ دهقانی فیروزآبادی، حامد (۱۳۹۸). «معناشناسی روایی، چیستی و مبانی اعتبار»، علوم حدیث تطبیقی، سال ۶، شماره ۱۱، صص ۱۴۷-۱۶۸.
۱۰. راد، علی؛ دهقانی فیروزآبادی، حامد (۱۴۰۱). «معناشناسی روایی مفردات قرآن نزد قرآن پژوهان امامیه، رهیافت‌ها و نمونه‌ها»، مشکوة، شماره ۱۵۴، صص ۵۰-۷۶. DOI: 20.1001.1.16838033.1401.41.1.3.0
۱۱. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار الشامیه.
۱۲. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: مکتبه الآیة الله المرعشی النجفی.
۱۳. صفوی، کوروش (۱۳۹۲). معنی‌شناسی کاربردی، تهران: سمت.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۸ق). تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۲ق). جامع البیان فی تأویل آی القرآن، قاهره: هجره.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
۱۷. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۳۸۲). تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ق). الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، بیروت: دار احياء التراث العربی.
۲۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۲. موسوی، سیدمحسن؛ علی‌نژاد، محسن (۱۳۹۷). «نقش احادیث معصومین علیهم السلام در معناشناسی واژگان قرآن کریم»، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، شماره ۶۱، صص ۱۱-۲۲.
۲۳. نکونام، جعفر (۱۳۹۰). درآمدی بر معناشناسی قرآن، قم: دانشکده اصول الدین.